



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پرتوی از
رخدادهای عصر
امام صادق علیه السلام

سید سعید روحانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از رخدادهای عصر امام صادق (ع)

نویسنده:

سید سعید روحانی

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | پرتوی از رخدادهای عصر امام صادق (ع) |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | پرتوی از رخدادهای عصر امام صادق (ع) |
| ۱۰ | پاورقی |
| ۱۳ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

پرتوی از رخدادهای عصر امام صادق (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده: سید سعید روحانی

ناشر: ماهنامه کوثر، شماره ۴۰

پرتوی از رخدادهای عصر امام صادق (ع)

۱- ششمین اختر تابناک آسمان امامت حضرت امام جعفر صادق (ع) در روز جمعه ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هجری در مدینه و در زمان عبدالملک بن مروان بن حکم دیده به جهان گشود. ما در آن حضرت «ام فروه دختر قاسم [۱] بن محمد بن ابوبکر می‌باشد. ایشان در سال ۱۴۸ هجری به دستور منصور عباسی به وسیله انگور زهرآلود مسموم و به شهادت رسید. مدفن مطهر آن حضرت در قبرستان بقیع و در جوار ائمه بقیع [۲] قرار دارد. [۳]. بعضی ولادت ایشان را روز سه شنبه هفتم رمضان و سال ولادت ایشان را نیز برخی سال ۸۰ هجری ذکر کرده‌اند. [۴] درباره زمان شهادت نیز گروهی ماه شوال و دسته‌ای دیگر ۲۵ رجب را بیان کردند. [۵].

۲- امام صادق (ع) مدت ۱۲ تا ۱۵ سال بنا بر اختلاف با امام سجاد (ع) و بعد از شهادت جد بزرگوارش مدت ۱۹ سال با امام باقر (ع) زندگی کرد و توانست به مقدار لازم از خرمن دانش این دو بزرگوار، خوشه چینی نماید. مدت امامت ایشان ۳۴ سال به طول انجامید [۶] که ۱۸ سال در دوره اموی و ۱۶ سال در دوره عباسی بوده است. [۷]. ۳- خلفای اموی معاصر امام جعفر صادق (ع) به ترتیب عبارتند از: هشام بن عبدالملک (۱۱۴ - ۱۲۵)، ولید بن یزید بن عبدالملک (۱۲۶ - ۱۲۵)، یزید بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶)، ابراهیم بن ولید بن عبدالملک (۲ ماه و ۱۰ روز از سال ۱۲۶) و مروان بن محمد معروف به مروان حمار (۱۳۲ - ۱۲۶). خلفای عباسی معاصر امام (ع) عبارتند از: ابوالعباس عبدالله بن محمد (۱۳۷ - ۱۳۲) و ابوجعفر منصور دوانیقی (۱۳۷ - ۱۴۸). ۴- از امام جعفر صادق (ع) هفت پسر و سه دختر برجای ماند که عبارتند از: «اسماعیل»، «عبدالله» و «ام فروه» که مادرشان فاطمه بنت‌الحسین بن علی بن حسین (ع) است. «امام موسی کاظم»، «اسحاق» و «محمد» که مادرشان حمیده خاتون می‌باشد. و «عباس»، «علی»، «اسماء» و «فاطمه» که هر یک از مادری به دنیا آمده‌اند. [۸]. ۵- در یک دسته بندی، زندگانی امام جعفر صادق (ع) را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود: الف) زندگانی امام در دوره امام سجاد و امام باقر علیهماالسلام که تقریباً نیمی از عمر حضرت را به خود اختصاص می‌دهد. در این دوره (۸۳ - ۱۱۴) امام صادق (ع) از علم و تقوی و کمال و فضیلت آنان در حد کافی بهره‌مند شد. ب) قسمت دوم زندگی امام جعفر صادق (ع) از سال ۱۱۴ هجری تا ۱۴۰ هجری می‌باشد. در این دوره امام از فرصت مناسبی که به وجود آمد، استفاده نمود و مکتب جعفری را به تکامل رساند. در این مدت، ۴۰۰۰ دانشمند تحویل جامعه داد و علوم و فنون بسیاری را که جامعه آن روز تشنه آن بود، به جامعه اسلامی ارزانی داشت. ج) هشت سال آخر عمر امام (ع) قسمت سوم زندگی امام را تشکیل می‌دهد. در این دوره، امام بسیار تحت فشار و اختناق حکومت منصور عباسی قرار داشت. در این دوره امام دائماً تحت نظر بود و مکتب جعفری عملاً تعطیل گردید. [۹]. ۶- در عصر امام صادق (ع) حکومت اموی منقرض شد. عواملی که منجر به انقراض سلسله اموی شد عبارتند از: ۱- حکومت موروثی استبدادی. ۲- تحریف حقایق توسط محدثان مزدور و روحانیون درباری. ۳- مخالفت علنی و آشکار با سنت پیامبر (ص) و قرآن کریم. ۴- اهانت به حرمین شریفین. ۵- سوء استفاده از بیت المال مسلمین. ۶- کامجویی و هوسرانی و میگساری و ساز و آواز. ۷- گرایش به تجملات و زیور آلات. ۸- تعصب عربی و تحقیر موالی (غیر اعراب). ۹- اختلافات و درگیری‌های داخلی و نژادی. ۱۰- قتل و غارت مسلمین خصوصاً فرزندان بنی‌هاشم. ۱۱- قیام مسلحانه شیعیان. ۱۲- تعطیل شدن امر به معروف و نهی از منکر به سبب خشونت حکمرانان. ۱۳- رواج شعارها و سنت‌های جاهلی. [۱۰]. ۷- بنی‌العباس

در اواخر دوره بنی‌امیه از فرصت‌سیاسی که به وجود آمده بود، استفاده کردند و حکومت را در سال ۱۳۲ هجری قمری به دست گرفتند. [۱۱] و تا سال ۶۵۶ هجری قمری حکومت کردند. سیاست عباسیان تا زمان معتصم برمبنای حمایت از ایرانیان و تقویت علیه‌اعراب بود. صد ساله اول حکومت عباسی برای ایرانیان، عصر طلایی بود. چه آنکه برخی از وزرای ایرانی همانند برامکه و فضل بن سهل ذوالریاستین بعد از خلیفه، بزرگترین قدرت به شمار می‌رفتند. [۱۲]. ۸- روسای بنی‌هاشم اعم از عبدالله محض و پسرانش محمد و ابراهیم و همچنین بنی‌العباس به نام‌های ابراهیم امام، ابوالعباس سفاح، ابوجعفر منصور دوانیقی و عموهای اینها، در محلی به نام «ابواء» [۱۳] نهضت ضد اموی را از سال ۱۰۰ هجری آغاز کردند. و چون بنی‌العباس زمینه را برای خودشان مهیا نمی‌دیدند، با «محمدنفس زکیه [۱۴] به عنوان مهدی امت بیعت کردند. [۱۵]. ۹- بعد از آنکه روسای بنی‌هاشم با محمد بیعت کردند، از امام جعفر صادق (ع) نیز دعوت نمودند که با محمد به عنوان مهدی امت بیعت کند ولی حضرت به آن‌ها فرمود که در نزد ما اسراری است. این پسر، مهدی امت نیست و وقت ظهور نیز فرا نرسیده است. حضرت در آن جلسه بیان داشتند که ابوالعباس سفاح و برادرانش به خلافت خواهند رسید و به عبدالعزیز بن عمران زهری فرمود که ابوجعفر منصور قاتل محمد و برادرش ابراهیم خواهد شد. [۱۶]. ۱۰- مبلغان بنی‌عباس در آغاز، مردم را با عنوان «الرضا من آل محمد» یا «الرضی من آل محمد» تبلیغ می‌کردند. دو تن از ماهرترین شان عبارت بودند از: «ابوسلمه خلال و «ابومسلم خراسانی». ابوسلمه که به وزیر آل محمد لقب گرفت، در کوفه مخفیانه تبلیغ می‌کرد و ابومسلم که به امیر آل محمد ملقب شد، در خراسان مردم را بر علیه دستگاه حاکمه اموی می‌شوراند. [۱۷]. یکی از کارهای زشت ابومسلم این بود که نسبت به ابوسلمه حسادت می‌ورزید. نامه‌هایی به سفاح و عموهای سفاح نوشت و به آن‌ها اطلاع داد که ابوسلمه قصد دارد خلافت را از آل‌عباس به نفع آل‌ابی‌طالب تغییر دهد. ولی سفاح پذیرفت و گفت: چیزی بر من ثابت نشده است. ابومسلم وقتی که فهمید ابوسلمه از توطئه او آگاه است، عده‌ای را مامور کرد که هنگام برگشت ابوسلمه از نزد سفاح، او را شبانه به قتل برسانند. [۱۸] و چون قاتل یا قاتلین از اطرافیان سفاح بودند، خون ابوسلمه لوٹ شد و خوارج را به عنوان قاتل معرفی کردند. [۱۹]. ۱۱- مسعودی در مروج الذهب [۲۰] می‌نویسد: ابوسلمه بعد از کشته‌شدن ابراهیم امام به این فکر افتاد که خلافت را از آل‌عباس به نفع آل‌ابی‌طالب تغییر دهد. نامه‌ای در دو نسخه برای امام جعفر صادق (ع) و عبدالله محض نوشت و به مامور گفت: این دو نامه را مخفیانه به امام جعفر صادق (ع) بده و اگر قبول کرد، نامه دیگر را از بین ببر و اگر نپذیرفت، نامه دوم را برای عبدالله ببر و طوری عمل کن که هیچ کدام نفهمند که برای دیگری نامه نوشتیم. فرستاده، نامه را اول برای امام (ع) برد. ایشان قبل از آنکه نامه را مورد مطالعه قرار دهد، به آتش گرفت و آن را سوزاند و بیان داشت که ابوسلمه شیعه و طرفدار ما نیست. فرستاده، نامه دیگر را به عبدالله محض داد که بسیار خوشحال و مسرور گردید. صبح زود نزد امام صادق (ع) آمد و جریان را اطلاع داد. امام به او گفت که ابوسلمه عین این نامه را برای من نیز نوشته بود ولی آن را سوزاندم. به او گفت: ابوسلمه طرفدار ما نیست. از چه زمان اهل خراسان شیعه تو شده‌اند که می‌گویی شیعیان ما نوشته‌اند؟ آیا تو ابومسلم را به خراسان فرستادی؟ آیا تو به آن‌ها گفتی لباس سیاه بپوشند و آن را شعار خود قرار دهند...؟ عبدالله از این سخنان ناراحت شد و شروع به بحث با امام نمود. [۲۱]. ۱۲-

در بررسی نامه ابوسلمه باید گفته شود که این جریان مقارن ظهور بنی‌العباس است و ابومسلم شدیداً در فعالیت است که ابوسلمه را از میدان به در کند و در این قضیه عموهای سفاح نیز او را تایید و تقویت می‌کنند. با این وصفی که مسعودی نوشته، معلوم می‌گردد که ابوسلمه مردی سیاسی بوده و سیاستش از این که به نفع آل‌عباس کار کند، تغییر می‌کند و چون هرکسی را نیز برای خلافت نمی‌توان معرفی نمود، سیاست مآبانه یک نام را به هر دو نفر که از شخصیت‌های مبرز بنی‌هاشم هستند، از اولاد بنی‌الحسن «عبدالله محض و از اولاد بنی‌الحسین «امام صادق (ع)» می‌نویسد که تیرش به هر جا اصابت کرد، از آن استفاده کند. بنابراین در کار ابوسلمه با توجه به وفاداریش به بنی‌عباس و تثبیت حکومت در خاندان آن‌ها و دعوت از دو نفر برای بیعت با آنان، نشان دهنده جدی نبودن دعوت و آمیخته بودن آن با تزویر و عدم آگاهی از نظام واقعی امامت است و فقط می‌خواسته کسی را ابزار قرار دهد.

به علاوه این کار، کاری نبوده که به نتیجه برسد و بهترین دلیل آن، این است که هنوز جواب نامه به دست ابوسلمه نرسیده بود که غائله به کلی خوابید و ابوسلمه از میان رفت. [۲۲]. ۱۳- بعضی از کسانی که ادعای تاریخ‌شناسی دارند، با انکار و اعتراض می‌پرسند که چرا امام صادق (ع) در جواب نامه ابوسلمه چنان برخوردی داشته است؟ در جواب به این افراد، باید گفته شود که در این قضیه نه شرایط معنوی در کار بوده که افرادی با خلوص نیت چنین پیشنهادی را بیان کنند و نه شرایط ظاهری و امکاناتی فراهم بوده که بتوان به واسطه آن اقدام عملی نمود. [۲۳]. علت خودداری و امتناع امام صادق (ع) از قبول درخواست ابوسلمه: اولاً این بود که امام می‌دانست بنی‌عباس ساکت نخواهند نشست و امام را به شهادت می‌رسانند. بدون آنکه شهادت امام هیچ فایده و اثری برای اسلام و مسلمین داشته باشد. ثانیاً در آن عصری که امام می‌زیست، آنچه که برای جامعه اسلامی بهتر و مفیدتر بود، رهبری نهضت علمی، فکری و تربیتی بود که اثر آن تاکنون هست؛ کما این که در عصر امام حسین آن نهضت ضرورت داشت که اثرش هنوز نیز باقی است. [۲۴]. ۱۴- از سال ۱۲۹ هجری تا ۱۳۲ هجری که عباسیان روی کار آمدند؛ چون بنی‌امیه رو به ضعف و سقوط می‌رفتند، فرصت اینکه امام (ع) را تحت فشار قرار دهند، نداشتند و از طرفی عباسیان نیز که شعار طرفداری از خاندان پاک پیامبر اکرم (ص) و گرفتن انتقام خون به ناحق ریخته آنان را می‌دادند، به امام فشاری وارد نمی‌آوردند. از این رو، این دوران، برای امام دوران آرامش و آزادی بود و فرصت بسیار خوبی برای فعالیت‌های علمی و فرهنگی به‌شمار می‌رفت، فرصتی که برای هیچ‌یک از امامان دیگر به غیر از امام باقر (ع) که اندکی از این فرصت برای ایشان به وجود آمد و فعالیت علمی را شروع کرده بود. و هم‌چنین برای امام رضا (ع) فراهم نگشت. ولی امام صادق (ع) هم عمر طولانی (حدود ۷۰ سال) داشتند و هم محیط و زمان برای ایشان مساعد بود. [۲۵]. ۱۵- در زمان امام جعفر صادق (ع) در جامعه اسلامی شور و نشاط فوق‌العاده‌ای پیدا شد که منشاء جنگ عقاید گردید. به‌طور خلاصه می‌توان عوامل مؤثر در این نشاط را در چهار مورد بررسی کرد: الف) محیط آن دوره، محیط کاملاً مذهبی و اسلامی بود و مردم تحت‌انگیزه‌های مذهبی، زندگی می‌کردند. تشویق‌های پیامبر به علم و دانش و تشویق و دعوت‌های قرآن کریم به علم و تعلم و تفکر و تعقل، عامل اساسی این نهضت و شور و نشاط بود. ب) نژادهای مختلفی که سابقه فکری و علمی داشتند، در دنیای اسلام وارد شدند و تحولاتی را در جامعه ایجاد کردند. «جهان وطنی اسلامی» [۲۶] عامل سومی بود که زمینه را مساعد می‌کرد. اسلام با وطن‌های آب و خاکی مبارزه کرده بود و وطن را «وطن اسلامی» تعبیر می‌کرد که هر جا اسلام هست، آنجا وطن است و در نتیجه تعصبات نژادی تا حدود بسیار زیادی از میان رفته بود. به طوری که نژادهای مختلف با یکدیگر همزیستی داشتند. [۲۷]. د) عامل دیگری که زمینه‌ی این جهش و جنبش را فراهم می‌کرد، «تسامح و تساهل دینی» بود. [۲۸] یعنی مسلمانان به خاطر همزیستی با اهل کتاب، آنها را تحمل می‌کردند و آن را برخلاف اصول دینی خود نمی‌پنداشتند. در آن زمان اهل کتاب، اهل علم و دانش بودند که وارد جامعه اسلامی شده بودند و مسلمین نیز مقدم آن‌ها را گرامی می‌شمردند. در نتیجه در همان عصر اول، معلومات آن‌ها را گرفتند و در عصر بعدی، خود در راس جامعه اسلامی قرار گرفتند. [۲۹]. ۱۶- امام صادق (ع) در عصری زیست که علاوه بر حوادث سیاسی، یک سلسله حوادث اجتماعی و پیچیدگی‌ها و ابهام‌های فکری و روحی پیداشده بود که اسلام را تهدید می‌کرد. ظهور متکلمان [۳۰]، صوفیه (خشکه مقدس‌ها) [۳۱]، زنادقه [۳۲]، مکتب‌ها و نحله‌های مختلف فقهی جبریه، مشبهه، تناسخیه و... [۳۳] اختلاف قرائت، اختلاف در تفسیر، و رشد گروه خوارج و مرجئه از آن جمله بودند. [۳۴] هر کدام عقاید خود را ترویج می‌کردند و به نحوی نظر می‌دادند. از این رو، تشنگی عجیبی به وجود آمده بود که لازم بود امام (ع) به آن‌ها پاسخ مناسب گوید. ۱۷- امام صادق (ع) با تمامی این جریان‌هایی که وجود داشت، برخورد کرد. از نظر قرائت و تفسیر، یک عده شاگردان امام هستند. در باب نحله‌های فقهی هم که مکتب امام صادق (ع) قوی‌ترین و نیرومندترین مکتب‌های فقهی آن زمان بوده، به طوری که اهل تسنن هم اعتراف نمودند. ابوحنیفه [۳۵] و مالک [۳۶] شخصاً از محضر امام استفاده کردند و مالک بارها از مدینه به خدمت امام می‌رسید و از وجود ایشان استفاده می‌برد. شافعی و احمد بن حنبل نیز از شاگردان امام هستند. [۳۷]. امام صادق (ع)

با در نظر گرفتن نیاز شدید جامعه و آمادگی زمینه‌اجتماعی مناسب، دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدرش را گرفت و حوزه علمی وسیعی به وجود آورد [۳۸] و در رشته‌های مختلف، شاگردان بزرگی همچون «هشام بن حکم کندی»، «محمد بن مسلم»، «ابان بن تغلب»، «هشام بن سالم»، «معلی بن خنیس»، «محمد بن علی بن نعمان بجلی کوفی معروف به «مؤمن الطاق»، «مفضل بن عمر»، «ثابت بن دینار» معروف به «ابوحمزہ ثمالی»، «زراره بن اعین»، «جابر بن یزید جعفی کوفی»، «صفوان بن مهران جمال‌اسدی کوفی معروف به «صفوان جمال»، «عبدالله بن ابی‌یعفور»، «حمران بن اعین شیبانی»، «حمزه طیار»، «برید بن معاویه عجلی»، و... تربیت نمود.

[۳۹]. ۱۸- در دوره امام صادق (ع)، شیعیان و طرفداران امام با نوعی پیوستگی فکری و عملی، تشکیلاتی را به وجود آورده بودند و امام صادق (ع) نیز با خلفا مبارزه مخفی می‌کرد. نوعی جنگ سرد در میان بود. معایب، مثال و مظالم خلفای جور به وسیله امام (ع) در دنیا پخش شد. حتی امام (ع) به منظور تبلیغ ولایت و امامت خود، نمایندگانی به مناطق مختلف از جمله خراسان می‌فرستاد. [۴۰]. فشار گسترده سیاسی حکام اموی و عباسی گویای این حقیقت است که یاران امام به خاطر مصون ماندن از گزند حکام زورگو، «تقیه می‌کردند. تاکیدهای مکرر امام بر «تقیه نشان دهنده فعال بودن این تشکیلات به طور مخفی و تصمیم جدی حکومت بر سرکوب کردن حرکت‌ها است. برخی از روایت‌های موجود نشان می‌دهد که شیعیان به شدت تحت فشار بودند. [۴۱] و از ترس شمشیر برهنه منصور، راه تقیه را در پیش گرفتند. [۴۲]. جاسوسان اموی و عباسی، مراقب رفت و آمدهای امام و اصحابشان بودند. اگر کسی تماسی برقرار می‌کرد، با کمال احتیاط این عمل را به انجام می‌رساند. زیرا دستگاه خلافت اگر فردی را می‌شناخت که با اهل بیت علیهم السلام اظهار محبت می‌کند، سرنوشت او با مرگ یا سیاهچال و زندان ابد، رقم می‌خورد. چنان که یکی از اطرافیان امام (ع) زیر شلاق جان سپرد. [۴۳] به همین خاطر امام از بعضی از شیعیان روی بر می‌گرداند و حتی برخی را مورد سرزنش قرار می‌داد. [۴۴]. ۱۹- از رویدادهای دیگر زندگی امام صادق (ع) فوت فرزند بزرگش اسماعیل است که بسیار مورد علاقه امام بود. طبق روایات، امام در مرگ او بسیار بی‌تابی و بدون ردا و با پای برهنه دنبال جنازه او حرکت می‌کرد. [۴۵] امام (ع) والی مدینه و جمعی انبوه از معارف و مشایخ مدینه را حاضر کرد و از همگی آن‌ها دعوت نمود که خوب به چهره اسماعیل نگاه کنند که آیا مرده است یا زنده است؟ همگی به مرده بودن اسماعیل تصدیق کردند. این عمل چند بار انجام شد. سپس فرمود: خدایا! تو شاهد باش. و دست امام موسی کاظم (ع) را گرفت و فرمود: «هو حق و الحق معه و منه الی...»؛ او حق است و حق با اوست تا ظهور امام غایب. [۴۶] اسماعیل در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. [۴۷] فرقه اسماعیلیه منتسب به این فرزند امام می‌باشند. ۲۰- از حوادث مهم دوره زندگی امام صادق (ع) که در زمان خلافت هشام بن عبدالملک، دهمین خلیفه اموی به وقوع پیوست، «جنبش مسلحانه زید بن علی (ع)» است. زید فرزند بزرگتر امام سجاد (ع) است [۴۸] که در روز جمعه سوم صفر سال ۱۲۳ - ۱۲۱ هجری قمری بنا بر اختلافی که وجود دارد [۴۹] در کوفه به همراهی ۵۰۰۰ نفر دست به قیام زد و پس از دو روز درگیری به شهادت رسید. یاران زید با تدابیر امنیتی شدیدی، پیکر بی‌جان او را دفن نمودند ولی با گزارش حفار، حاکم کوفه به گور دست یافت و بعد از جدا کردن سر از بدن، پیکرش را در محله «کناسه کوفه به مدت چهار سال به دار آویختند. [۵۰]. درباره ادعا یا عدم ادعای امامت زید، گزارش‌های ضد و نقیضی نقل شده است. [۵۱] در بعضی روایات که از امام صادق (ع) وجود دارد، آمده است که: «خدا زید را رحمت کند، او عالمی درست گفتار بود.» [۵۲] «او مردی با ایمان، عارف، دانشمند و درستکار بود. و اگر زمام امور را به دست می‌گرفت، می‌دانست آن را به چه کسی بسپارد.» [۵۳] «به خدا قسم عموم زید راه شهدای حق را پیمود، راه شهیدانی که در کنار رسول خدا (ص)، علی و حسین علیهما السلام شربت شهادت نوشیدند.» [۵۴]. فلسفه قیام زید در چند امر، خلاصه می‌گردد: الف- انتقام خون شهدای کربلا. ب- امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح وضع موجود. ج- تشکیل حکومت اسلامی و واگذاری آن به ائمه اطهار علیهم السلام. ۲۱- از حوادث دیگر در دوره زندگی امام صادق (ع)، «قیام یحیی بن زید بن علی (ع)» است که در سال ۱۲۵ هجری در خراسان و در زمان حکومت هشام بن عبدالملک صورت گرفت و در همین سال به شهادت رسید. [۵۵]. ۲۲- «قیام

محمد نفس زکیه از حوادث دیگر دوره امام صادق (ع) است. او در سال ۱۴۵ هجری و به همراهی ۲۵۰ نفر از اصحاب خود در ماه رجب به عنوان خروج بر منصور عباسی به مدینه آمد و شهر را در تصرف خود در آورد. سرانجام در درگیری با لشکر عیسی بن موسی در اواسط ماه رمضان همان سال در سن ۴۰ سالگی به قتل رسید. [۵۶]. ابراهیم برادر محمد نیز بعد از قتل نفس زکیه، قیام کرد و در نزدیکی‌های کوفه کشته شد و بدین گونه پیش‌بینی امام صادق (ع) به وقوع پیوست. ۲۳- در سال ۱۳۶ هجری منصور دوانیقی دومین خلیفه عباسی، به خلافت رسید و تا سال ۱۵۸ هجری حکومت کرد. دوران منصور یکی از پر اختناق‌ترین دوران‌های تاریخ اسلام است. به طوری که حکومت ارباب و ترور، نفس‌های مردم را در سینه خفه کرده و وحشت، همه را فراگرفته بود. او برای استحکام پایه‌های حکومت خود، افراد زیادی را به قتل رساند که ابومسلم خراسانی را می‌توان یکی از این افراد دانست. [۵۷]. مهم‌ترین مسئله‌ای که منصور را به رنج و زحمت می‌انداخت، وجود علویان که در راس آنان شخص امام جعفر صادق (ع) قرار داشت، بود. وی برای این که شخصیت و عظمت امام (ع) را بکاهد، شاگردان امام را رو در روی امام قرار می‌داد تا با آن حضرت به مباحثه برخیزند [۵۸] و امام را مغلوب کنند ولی موفق نگردید. ۲۴- از روزی که منصور به حکومت رسید تا روز شهادت امام جعفر صادق (ع) که ۱۲ سال به طول کشید، با وجودی که بین امام و منصور فاصله زیادی وجود داشت، زیرا امام در حجاز بودند و منصور در عراق می‌زیست ولی به انواع مختلف، امام را مورد آزار و اذیت خود قرار می‌داد و چندین بار امام را نزد خود فراخواند تا او رابه شهادت برساند ولی موفق به انجام نیت شوم خود نشد. [۵۹]. منصور درباره امام (ع) تعبیر عجیبی دارد. می‌گوید: جعفر بن محمد مثل یک استخوان در گلوی من است؛ نه می‌توانم بیرونش بیاورم و نه می‌توانم آن را فرو برم. نه می‌توانم مدرکی از او به دست آورم و کلکش را بکنم و نه می‌توانم تحملش کنم. [۶۰].

پاورقی

- [۱] قاسم با دختر عموی خود اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر ازدواج کرد. بنابراین، مادر امام (ع) از طرف پدر و نوه ابوبکر است.
- [۲] ائمه بقیع عبارتند از: امام حسن (ع)، امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع).
- [۳] الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۷۱؛ کتاب الحج، کلینی، باب مولد الامام ابی عبدالله؛ حیات الصادق، ص ۶؛ اعلام الوری طبرسی، ص ۲۷۱؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۲؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱.
- [۴] الفصول المهمه فی معرفه الاحوال الاثمه (ع)، علی بن محمد بن احمد مالکی، ص ۲۲۳؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۶۷.
- [۵] بیست گفتار، مطهری، ص ۱۶۴؛ حبيب السیر، ج ۲، ص ۲۰۶؛ بحار، ج ۱۱، ص ۷۹؛ کفایه المطالب، ج ۳، ص ۳۰۷؛ صفه الصفوه، ابن جوزی، ص ۹۴.
- [۶] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، استاد مطهری، ص ۱۳۷؛ الارشاد، ص ۲۴۹.
- [۷] تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۳۷۵؛ الشیعه و الحاکمون، ص ۱۳۷؛ مروج الذهب مسعودی، ج ۳، ص ۲۳۳ به بعد؛ الکامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۴۶۵ به بعد.
- [۸] الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۸۴؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۸۰؛ اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۴۱، ح ۲.
- [۹] الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۸۹.]
- [۱۰] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۱۷ - ۱۱۸؛ الکامل، ج ۳، ص ۲۰۱ به بعد؛ مقاتل الطالبیین، ص ۷۰؛ الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۶۵؛ الغدیر، ج ۱۰، ص ۳۲۶؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۶۶.
- [۱۱] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۱۷.

- [۱۲] مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۵۸۴.
- [۱۳] ابواء مکانی است مابین مدینه و مکه. این مکان جایی است که آمنه (س) مادر پیغمبر اکرم (ص) در آنجا وفات یافت و حضرت امام کاظم (ع) به دنیا آمد. (ر.ک: معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۱، ص ۷۹).
- [۱۴] محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی (ع).
- [۱۵] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، استاد مطهری، ص ۱۳۱ - ۱۳۲؛ مقاتل الطالبیین، ص ۱۷۳.
- [۱۶] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.
- [۱۷] الفخری، ابن طقطقا، ص ۱۵۳؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵۲.
- [۱۸] مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۲۸۴.
- [۱۹] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۲۳ - ۱۲۴؛ بیست گفتار، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.
- [۲۰] ج ۳، ص ۲۶۹ - ۲۶۸؛ الفخری ص ۱۵۴ - ۱۵۵؛ جهادالشیعه، ص ۱۰۴.
- [۲۱] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۲۹ - ۱۲۴.
- [۲۲] همان، ص ۱۳۰.
- [۲۳] همان، ص ۱۳۱ - ۱۳۰.
- [۲۴] بیست گفتار، مطهری، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.
- [۲۵] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۵۷ - ۱۵۸.
- [۲۶] مجموعه آثار، مطهری، ج ۱۴، ص ۶۸ - ۷۱؛ سوره تکویر، آیه ۲۷؛ سوره سباء، آیه ۲۸؛ سوره انبیاء، آیه ۱۰۵؛ سوره اعراف، آیه ۱۵۸؛ سوره انعام، آیه ۸۹؛ نساء ۱۳۳؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۶۴.
- [۲۷] مثلاً یک غلام بربری مانند «نافع» یا «عکرمه غلام عبدالله بن عباس در کرسی استادی می نشست و بسیاری از مسلمانان عراقی، سوری، حجازی، مصری، ایرانی و هندی در پای درس او شرکت می کردند.
- [۲۸] مسئله «تساهل و تسامح با اهل کتاب عامل فوق العاده مهمی بود. این مسئله ریشه حدیثی دارد. احادیثی همچون «خذواالحکمه ولو من مشرک و «الحکمه ضاله المؤمن، یاخذها اینما وجدها» مضمونش همین است.
- [۲۹] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۶۱ - ۱۵۹.
- [۳۰] از بحث‌های داغ آن روز، بحث‌های کلامی بود. متکلمین در اصول عقاید و مسائل اصولی همچون خدا، صفات خدا، آیات مربوط به خدا، درباره نبوت و حقیقت وحی، درباره شیطان، توحید، ثنویت، قضا و قدر، جبر و اختیار و... بحث می کردند.
- [۳۱] ظهور متصوفه به طوری که طبقه‌ای را به وجود آوردند و طرفداران زیادی پیدا کنند و در کمال آزادی، حرف‌های خود را بر زبان جاری سازند، در زمان امام صادق (ع) رخ داد. این گروه به عنوان نحله‌ای در مقابل اسلام سخن نمی گفتند، بلکه بیان می داشتند که اصلاً حقیقت اسلام آن است که ما می گوئیم. اینان روش خشکه مقدس عجیبی پیشنهاد می کردند که قابل تحمل نبود.
- [۳۲] از خطرناکترین طبقه‌های این عصر، ظهور زنادقه بود. زنادقه طبقه متجدد و تحصیل کرده آن عصر بودند. که با زبان‌های زنده آن روز سریانی، فارسی، هندی و... آشنا بودند. زنادقه و دهرینی از قبیل ابن ابی العوجاء، ابوشاکر دیصانی و حتی ابن مقفع وجود داشتند که با آن حضرت به محاجه برخاستند. احتجاجات بسیار مفصل و طولانی که در این زمینه باقی است به راستی اعجاب آور است. «توحید مفضل در اثر یک مباحثه با یک نفر دهری مسلک و رجوع مفضل به امام صادق (ع) پدید آمده است.
- [۳۳] مدینه، کوفه، بصره و حتی اندلس هر کدام مرکزی به شمار می رفتند که مالک ابن انس، ابوحنیفه و... رهبری آن را بر عهده

داشتند.

- [۳۴] بیست گفتار، ص ۱۸۰ - ۱۸۴.
- [۳۵] نعمان بن ثابت بن زوطی بن مرزبان معروف به ابوحنیفه دو سال شاگرد امام بود. (امام الصادق و المذاهب الاربعه، حیدر اسد، ج ۱، ص ۷۰).
- [۳۶] مالک بن انس نیز نزد امام (ع) می آمد و به شاگردی آن حضرت افتخار می کرد. (همان، ج ۱، ص ۵۳).
- [۳۷] سیری در سیره ائمه اطهار (ع) ص ۱۵۱ - ۱۴۷.
- [۳۸] حرکت‌های علمی دنیای اسلام، اعم از شیعه و سنی مربوط به امام صادق (ع) است. حوزه‌های سنی مولود تفکر امام (ع) است؛ چون در راس حوزه‌های سنی، جامع الانزهر وجود دارد که در حدود ۱۰۰۰ سال پیش توسط شیعیان فاطمی تاسیس شد و تمام حوزه‌های دیگر اهل سنت، منشعب از این جامع است. (سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۶۴ - ۱۶۳).
- [۳۹] رجال کشی، محمد بن حسن طوسی، ص ۲۷۵؛ قاموس الرجال، محمد تقی تستری، ج ۳، ص ۴۱۶؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۵.
- [۴۰] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۲.
- [۴۱] مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری طبرسی، ج ۱۲، ص ۲۹۷ به بعد؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۹، ص ۳۲.
- [۴۲] تاریخ الشیعه، ص ۴۳.
- [۴۳] حیاة الامام الباقر (ع)، ج ۱، ص ۲۵۶؛ المحاسن، ص ۱۱۹.
- [۴۴] المناقب، ج ۴، ص ۲۴۸.
- [۴۵] الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۶۷.
- [۴۶] کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۳۲۸؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۵۴.
- [۴۷] الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۶۷.
- [۴۸] مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۷؛ بحار، ج ۴۶، ص ۲۰۸.
- [۴۹] تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۶۷ - ۷۰؛ مختصر تاریخ العرب، سید امیرعلی، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷۲؛ الاخبار الطوال، ص ۳۴۵؛ مقاتل الطالبیین، ص ۱۳۷.
- [۵۰] الامالی، شیخ طوسی، ص ۲۷۷ و شیخ صدوق، ص ۳۹۲؛ تنقیح المقال، مامقانی، ج ۱، حرف (ز).
- [۵۱] روایاتی که در نکوهش زید بیان گردیده به خاطر تقیه صورت گرفته است.
- [۵۲] الغدير، ج ۲، ص ۲۲۱.
- [۵۳] تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۰۰.
- [۵۴] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، مطهری، ص ۱۱۷ - ۱۱۸؛ تنقیح المقال، مامقانی، ج ۱، حرف (ز)، ص ۴۶۸؛ سفینه البحار، ج ۱، ماده (ز).
- [۵۵] تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۰۰.
- [۵۶] تذکره الخواص، ابن جوزی، ص ۲۰۳ - ۱۹۹.
- [۵۷] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۹۷؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۲۰۸ و ۲۰۹.
- [۵۸] الامام الصادق (ع)، محمد ابوزهره، ص ۲۸؛ الامام جعفر الصادق رائد السنه و الشیعه، ص ۱۹.
- [۵۹] مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۴، ص ۲۳۸؛ الامام الصادق (ع)، مظفر، ج ۱، ص ۱۱۱.
- [۶۰] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۵۹ - ۱۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۹؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۰۹ - ۲۰۸؛ بحار، ج

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

